

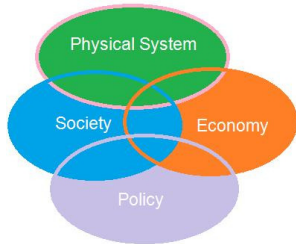
پاسخی به مضمون جناب دیپلوم انجینیر عبدالصبور تحت عنوان ارزیابی نظریات سیاسی پیرامون پایگاه های نظامی...

همینکه عنوان مضمون شاغلی دیپلوم انجینیر عبدالصبور در ستون تحلیلات افغان جرمن آنلاین جلب توجه کرد، خوشبینانه با خود گفتم چقدر عالی! اینک یک انجینیر دیگر افغان، سیاست افغانستان را از دیدگاه نوین تحلیل می کند. ولی هنوز چند سطر از نوشته مذکور مطالعه نشده بود که خوشبینی به مایوسی تبدیل گردید. زیرا بزودی آشکار شد که جناب شان اساسات تخنیکي، محتوا و مقصد نوشته منتشره پورتال را بکلی درک نکرده اند.

ارزیابی نظریات سیاسی پیرامون ایجاد پایگاه های نظامی بوسیله مدل تخنیکي عیار کننده

عصاره مضمون به نشر رسیده در پورتال روی اساسات تخنیکي integrated assessment modeling استوار است و به صورت کل جمع بندی نظریاتی را احتوا می کند که در ستون «نظر خواهی» در مورد ایجاد پایگاه های دراز مدت امریکا در افغانستان نگاشته شده است. هدف آن قضاوت در مورد جنبه های مثبت یا منفی پایگاه ها و یا به عبارت دیگر تصنیف اضرار و منافع پایگاه ها نیست. ولی چنانچه از عنوان مقاله انجینیر صبور بر میاید جناب شان مقاله پورتال را در چوکات قضاوت در مورد اضرار و منافع پایگاه ها از دیدگاه تخنیکي چنان مورد تنقید قرار داده اند که ظاهراً با تعریف و مفاهیم integrated assessment modeling آشنایی ندارند و یا به اساسات تئوری معرفت ندارند.

ایا مفاد و ضرر ایجاد پایگاه نظامی امریکا را میتوان با مدلهای تخنیکي ثابت کرد؟؟

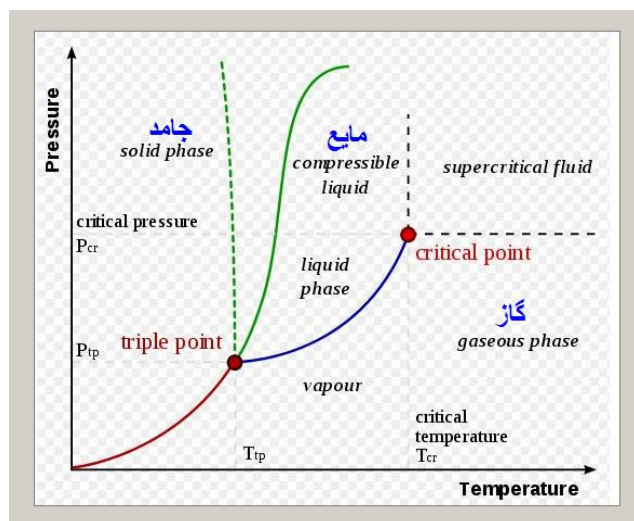


"integrated assessment modeling" چیست؟

از لحاظ تعریف و تطبیق تخنیکي در کمپیوتر ساینس، نظارت از یک سیستم فزیکي در پیوند با مراقبت سیاست، اقتصاد و سائر ساحات اجتماعی می باشد. در مقاله پورتال سیستم فزیکي، عبارت از Automatic Controlling System در پیوند با پایگاه های نظامی در افغانستان بود، نه انکشاف یک سافت ویر ساده تخنیکي برای اتخاذ تصمیم روی یک موضوع نهایت پیچده.

اوشان در آغاز مضمون خود موضوعاتی از قبیل سافت ویر، ریاضی، فزیک و نتیجه گیری سیاسی از آنها را به صورت درهم و برهم، با هم آمیخته ساخته که هر کدام آن جداگانه در سطور ذیل تحت بر رسی قرار داده می شود.

- **سافت ویر** - نویسنده از پروگرام های کمپیوتری صحبت دارد که همه در «هاردویر» به صورت دوامدار «ثابت» اکثراً در (ROM (Read Only Memory) ثبت و یک سیستم واحد و خودکار را تشکیل می دهد. این پروگرام ها Interface (رابط) بیرونی نداشته در صورت از کار ماندن. آله مورد استفاده، باید تعویض گردد. این چنین سیستم ها در چراغهای ترافیک، ویدیو ریکاردر ها و غیره موارد استعمال دارند.
- **بحث و سخن در نوشته پورتال از «سیستم کنترل اوتوماتیک» یعنی سراغ راه حل توسط intelligent سافت ویر است که در سیستم های تخنیکي، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست به کار برده می شوند تا در حدود حتی الامکان تصامیم عاری از اشتباه اتخاذ شده بتوانند.**
- **ریاضی** - ادعای $2 \times 2 = 5$ یک ادعای غلط است. ریاضی یکی از علوم مثبتیه بوده و لازم به ثبوت دارد.
- **فزیک** - ادعای جناب محترم عبدالصبو مبنی بر $2,73$ درجه سانتی گرید و 4 At فشار نیز غلط است. برای معلومات خوانندگان ارجمند باید عرض شود که هیچ ماده در طبیعت وجود ندارد که در آن واحد سه حالت مایع، گاز و جامد را تحت هیچ شرایطی اختیار نماید. پدیده ایکه دیپلوم انجینیر صبور به آن اشاره فرموده اند بنام حالت تعادل پایدار نقاط سه گانه (Triple Point stable equilibrium) یاد میشود و تنها در شرایط لایراتواری در 0.01 درجه سانتی گرید مساوی به 273.16 درجه کالوین و فشار قسمی بخار به اندازه 611.73 پاسکال یا 6.1173 ملی بار امکان پذیر است و بس. این حالت به هیچ صورت معنی این را افاده نمیکند که آب درین

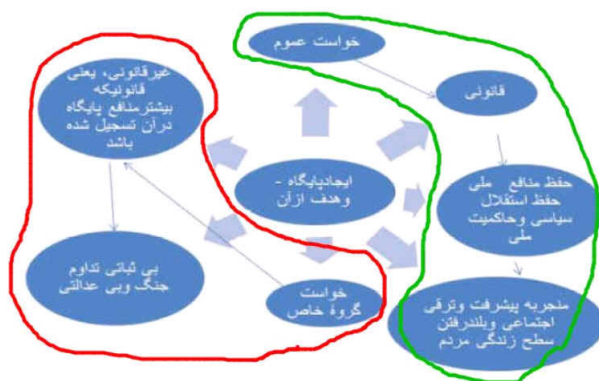


شرایط هر سه حالت را به خود اختیار میکند بلکه بوضاحت نشان میدهد که سه مقدار آب با سه حالت مختلف فیزیکی فوق در پهلوی هم و تنها در چنین شرایطی بدون آنکه روی یکدیگر تأثیر گزار باشند موجودیت باهمی داشته میتوانند. یعنی قسمت مایع، مایع میماند و قسمت گاز، گاز و جامد آن جامد.

- نتایج سیاسی- نتیجه گیری نویسنده از پروگرام های Static "ثابت" منشأ می گیرد که مانند پروگرام های "دینامیک" نظر به عوامل، انطباق پیدا کرده نمی تواند. در "سیستم کنترل اتوماتیک" اجرا آت نظر به (حالت- موجود) عیار می گردند. در این جا باید فرق بین پروگرام های ثابت (static) و پروگرام های (دینامیک) را دانست.

طوریکه در مقاله پورتال تذکر رفته بود حالات سیاسی همواره دینامیک و متغیر بوده و اجراءات طبعاً بر مبنای (حالت موجود) عملی می گردند. بنابراین با بوجود آمدن حالت دینامیک سیاسی نوین در یک مقطع خاص طبیعیست که اجراءات دلخواه با حفظ منافع طبقاً عملی میگردند.

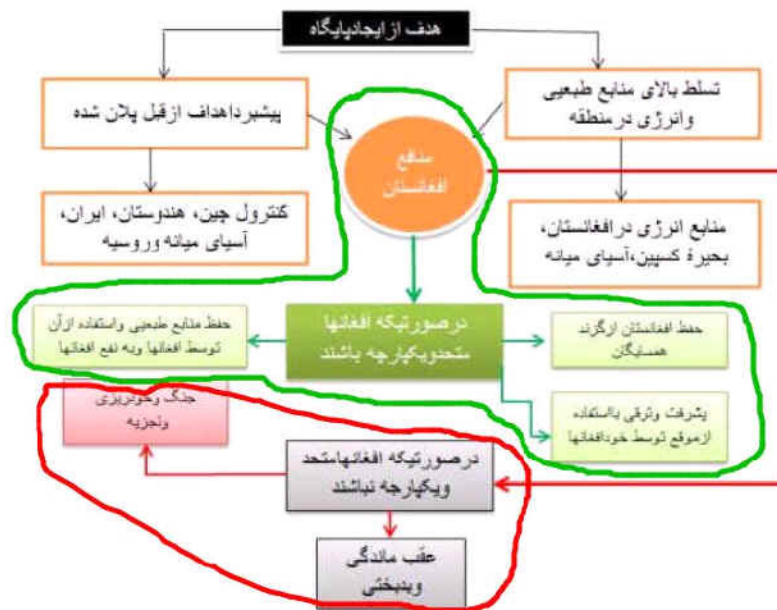
از دایگرام اول مندرج در مضمون نویسنده (که دایگرام شان با خطوط سرخ و سبز نشانی شده است) چنین استنباط می گردد که اکثریت مطلق مردم در واقع خواهان ایجاد پایگاه های دراز مدت امریکا در افغانستان می باشند (نشانی سبز)، مشروط بر اینکه با حفظ منافع کشور قانوناً مورد قبول قرار گرفته باشند که خود منجر به پیشرفت و تعالی کشور میگردد. حال آنکه به ملاحظه دایگرام شان صرف یک عده کوچک (نشانی سرخ) بنابر خواست گروهی شان در پهلوی آنکه خواستار پایگاه ها اند در دایگرام چنین وانمود شده که با تذکر کلمه غیر قانونی یا به حرف صریحتر خواهان م منافع بیشتر پایگاه ها اند تا به عمیله ایکه منافع عالیای کشور در آن تسجیل شده باشند و این عمیله که خود خواست گروه های خاص است، منجر به بی ثباتی، تداوم جنگ و بی عدالتی در جامعه خواهد شد. نویسنده مشخص نه ساخته اند که مراد شان از گروه خاص چیست، ولی به گمان قریب به یقین هدف شان سیستم حاکمه مصلحت



د پانو شمیره: له ۲ تر 4

گرای کنونی است که منافع علیای کشور را قربانی منافع شخصی و مصلحت های سیاسی خود کرده اند.

دایاگرام دومی که به مانند دیاگرام اولی با خطوط سبز و سرخ نشانی شده است، نویسنده خواسته اند اهداف نهایی و منطق درونی اهداف را در چوکات ها توضیح نمایند. در اهداف عمومی تسلط بر منابع طبیعی و انرژی در منطقه، منابع انرژی در افغانستان، بحیره کسپین و آسیای میانه، پیشبرد اهداف از قبل تعیین شده، کنترل چین، هندوستان، ایران، آسیای میانه و روسیه نشانی شده اند. در بخش منافع افغانستان در صورتیکه افغانها متحد باشند، اتحاد افغانها منجر به حفظ کشور از گزند همسایه ها، منجر به پیشرفت و ترقی و استفاده از منابع طبیعی به وسیله خود افغانها، حفظ منابع طبیعی و غیره میشود ولی در صورتیکه افغانها متحد نه باشند ماحصل عدم اتحاد منجر به عقبماندگی و جنگ و خونریزی و نهایتاً تجزیه کشور میگردد. با اکثریت نکات بحث شده نویسنده پیرامون احساس شریفانه و وطنپرستانه شان کاملاً موافقت حاصل است و به آن ارج فراوان گذاشته می شود ولی در یک جای مقاله شان چنین می فرمایند: [قسمی که در مقالات قبلاً هم تذکار گردیده است بار دیگر خدمت هموطنان به عرض میرسد که ایجاد پایگاه ها بالای افغان ها یک امر تحمیلی است که در اثر سیاست و برنامه های خاص امریکا در منطقه، و دیگرگون ساختن اوضاع و استفاده از آن جهت پیاده کردن اهداف خویش، افغانها در حالتی قرار دادند که میان بد و بدتر باید یکی را انتخاب کنند،] در محتوی مقاله شان یک نوع تناقض گویی به ملاحظه دیباگرام های شان ملاحظه می گردد، زیرا با درنظرداشت دایاگرام اولیه شان هر خواننده و بیننده چنین استنباط می کند که در واقع اکثریت مطلق مردم خواهان پایگاه اند و چنانچه منافع و اضرار آنها نیز در حالات مشروط بدون رد مفکوره و طرح پایگاه توضیح کرده اند.



با گزشت از تمام نکات مندرج در مقاله بشمول تناقض در بحث جناب د. ا. صبور اگر خواسته شود نظریات شانرا در چوکات integrated assessment modeling و از زاویه عملکرد این سیستم مورد ملاحظه قرار داده شود، دیده میشود که اوشان [حالت موجود] افغانستان و منطقه، غرب و ناتو را با چنان درهمی و برهمی مورد بررسی قرار میدهند که سر نخ در آن گم است. ولی [اجراآت] را که پیشنهاد می کنند خیلی منطقی و بجا اند. مثلاً از میان برداشتن نفاق و تفرقه و تأکید روی وحدت ملی افغانها، به وجود آوردن یک اداره مستحکم ملی که حامی منافع ملی کشور باشد و غیره.

تذکری از ترکیه- ادعای وی که ترکیه از لحاظ دین چانس قبول شدن در اتحادیه اروپا را ندارد، مشکوک به نظر می رسد. دیده می شود که تمرکز روی عنصر دین درین مورد در مقاله د. ا. صبور از همان ترس محافظه کاران مذهبی

جامعه اروپایی منشأ می گیرد دال بر اینکه شمولیت یک مملکت متکی به اساسات دین اسلام محتملاً پیامد های ناگواری را در بر خواهد داشت. حال آنکه تمایلات سیاسی در اروپا خاصاً بعد از حوادث دستگاه های اتمی انرژی در جاپان منجر به تقویۀ سبزها و ضعف کانزرواتیف ها گردیده؛ ضعف محافظه کاران درین بحث دید رادیکال و مذهبی را تضعیف کرده و این خود چانس قبولی ترکیه را به حیث یک مملکت اسلامی در اتحادیۀ اروپا بیشتر کرده است. دلیل عضویت ترکیه سکیولار در اتحادیۀ اروپا منحصراً یک کشور مسلمان سمبولیک به نفع اتحادیۀ اروپا است که از آن میتوانند در زمینه رفع مشکلات آینده در ممالک اسلامی منحصراً میانجی استفاده مزید سیاسی و حتی پل ارتباطی نمایند که حضور نیرو های ترکیه در افغانستان و لیبیا یکی از مثالهای خوب آن در مقطع کنونی است.

متأسفانه مضمون شاغلی صبور در پهلوی نارسائی های قسمت تخنیکی از نظر سیاسی نیز عاری از صراحت می باشد. اگر نویسنده کمبودی های محتوی نوشته خود را اصلاح و از نظر املا و انشأ نیز برسی کرده بتواند نشر دوبارۀ آن مورد قبول علاقمندان قرار خواهد گرفت.

پایان